استالین و فرمان تشکیل فرقهٔ دموکرات آذربایجان

«طرح تاریخ بین‌الملل جنگ سرد»[1] مستقر در مرکز بین‌المللی وودرو ویلسون برای پژوهشگران، واقع در واشنگتن که پیش از این نیز یکی بررسی‌هایش را باب چگونگی شکل‌گیری بحران آذربایجان در سال‌های پایانی جنگ دوم جهانی در فصلنامه *گفتگو* منتشر کردیم[2] در ادامهٔ بررسی‌هایش در این زمینه، نشست‌هایی دیگر برگذار و اسنادی جدید فراهم آورده است.

در دور جدیدی از این نشست‌ها که در فاصلهٔ سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۰ در گرجستان برگزار شد گروهی از پژوهشگران غربی و همچنین تعدادی از پژوهشگران جمهوری‌های آذربایجان، ارمنستان و گرجستان در باب «جنگ سرد در قفقاز» مقالات و اسنادی را ارائه کردند.

همان‌گونه که در ترجمهٔ بخش‌هایی از گزارش این کنفرانس‌ها ـ (در ادامهٔ این یادداشت) ـ ملاحظه خواهد شد[3]، بحران آذربایجان و به ویژه توضیح انگیزه‌های استالین در تأسیس و سپس انحلال یک حرکت جدایی طلب در شمال ایران محور اصلی بحث را تشکیل می‌دهد، ولی در کنار این واقعه مهم به تحولات مشابهی که در دیگر نقاط قفقاز نیز جریان یافت اشاره شده است؛ از جمله طرح ادعای ارضی نسبت به خاک ترکیه و تأثیر آن بر ناسیونالیسم گرجی و ارمنی که ابعاد کلی‌تر سیاست «شرقی» دولت شوروی را در همان ایام روشنتر می‌سازد.

انتشار اسناد جدیدی در این زمینه نیز از دیگر دستاوردهای این کنفرانس بوده است؛ از جمله سه سند مهم دربارهٔ جوانب عملی‌تر برنامهٔ شوروی در قبال نفت شمال ایران که زمینه‌ساز بروز بحران آذربایجان بود و

دستورالعمل‌هایی ریز و دقیق دربارهٔ کّم و کیف تاسیس و سازماندهی فرقهٔ دموکرات آذربایجان که از لحاظ آشنایی با ماهیت فرمایشی و خاستگاه تصنعی فرقه، اسناد مهم و در خور توجهی به شمار می‌آیند.[۴]

ترجمهٔ فارسی این اسناد نیز در انتهای این گزارش آمده است.

کاوه بیات

در تابستان ۱۹۹۹ آرشیو امنیت ملی (National Security Archives) با همکاری «طرح تاریخ بین‌الملل جنگ سرد» برنامهٔ تحقیقاتی جدیدی را تحت عنوان «گرجستان، ارمنستان و آذربایجان در جنگ سرد» بر پا داشت.

برآوردی از حد و حدود اسناد موجود در آرشیوهای تفلیس، ایروان و باکو دربارهٔ جنگ سرد ـ از جمله نمونه‌هایی از مجموعه اسنادی که در مسکو در دسترس نیستند ـ از اهداف اصلی این برنامه بود. گردهم آوردن گروهی از پژوهشگران این سه جمهوری در چارچوب همکاری‌های گسترده‌تر طیفی از پژوهشگران بین‌المللی جنگ سرد و بهره‌برداری از دانسته‌های آنها در تاریخ نگاری جنگ سرد و اتحاد شوروی نیز از دیگر اهداف این برنامه بود. نخستین ملاقات پژوهشگران ارمنی، آذربایجانی، گرجی و آمریکایی در اکتبر ۲۰۰۰ در تفلیس صورت گرفت.[۵] این جلسه که یکی از نخستین جلسات دیدار مورخان ارمنی و آذربایجانی پس از سال‌ها جنگ و دوری در پی تحولات ناشی از فروپاشی شوروی بود، از میل و علاقهٔ برخی از محققین این سه کشور بر تبادل آراء و دانسته‌هایشان با یکدیگر و همچنین با پژوهشگران غربی حکایت داشت. پس از گفتگوهایی چند، شرکت کنندگان این جلسه در مورد دستور کار یک کنفرانس بعدی به تفاهم رسیدند.

این کنفرانس در ۸-۹ ژوئیه ۲۰۰۲ در تسیناندلالی واقع در کاختی گرجستان برگزار شد. در این کنفرانس هفده پژوهشگر شرکت کردند، از جمله؛ لارا عباسوا (دانشگاه دولتی باکو)، لوان آوالیشویلی (دانشگاه دولتی تفلیس)، جمیل حسنلی (دانشگاه دولتی باکو)، گئورگی ماموليو (دانشگاه دریای سیاه) ، ادوارد ملکونیان (مؤسسه تاریخی عمومی ارمنستان)، کارن خاچاطریان (مؤسسه تاریخ عمومی ارمنستان)، کتوان روستیاشویلی (دانشگاه تفلیس)، رونالد گریگور سانی (دانشگاه شیکاگو)، فرانسواز توم (دانشگاه سوربن)، آماتون ویرابیان (بخش آرشیو جمهوری ارمنستان) و آندره‌ای زوبوف (مؤسسه روابط بین‌المللی ، مسکو).

ارتباط میان آمال ناسیونالیستی محلی و طرح‌های ژوزف استالین در مراحل پایانی جنگ دوم جهانی، یکی از مهمترین مضامینی بود که بخش چشمگیری از بررسی‌های مستند ارایه شده در این کنفرانس را به خود اختصاص داد. جمیل حسنلی براساس پژوهش‌های گسترده‌اش در باب سیاست شوروی در قبال آذربایجان ایران در سال‌های ۴۶-۱۹۴۵ مقاله‌ای ارایه کرد. آرشیو کمیتهٔ مرکزی

حزب کمونیست آذربایجان در مورد نحوهٔ اعمال برنامه‌های استالین برای توسعهٔ نفوذ شوروی و کسب امتیاز نفت شمال ایران، مجموعه‌ای مفصل و ظاهرا کامل از اسناد را در خود جای داده است. این اسناد بیانگر آن است که چگونه استالین سعی کرد از طریق دامن زدن به احساسات ناسیونالیستی در میان آذری‌های هر دو سوی مرز ایران و شوروی به اهداف توسعه طلبانهٔ خود دست یابد.[۶]

در خلال دورهٔ اشغال ایران در فاصلهٔ سال‌های ۴۶-۱۹۴۱ ، همانگونه که بررسی‌های حسنلی نشان می‌دهد، میان اهداف استراتژیک استالین در ایران و برنامه‌های ناسیونالیست‌های آذری نوعی ابهام ـ یا حتی تنش ـ حل نشده وجود داشت. میرجعفر باقروف دبیر اول حزب کمونیست آذربایجان در خلال ابلاغ دستورالعمل‌هایش به گروهی از مقامات شوروی که در سال ۱۹۴۱ عازم ایران بودند، چنین گفت : «شما با انجام وظایفتان، خدمت بزرگی به خلق آذربایجان خواهید کرد. با اجرای این وظیفه غرور آفرین، خواسته‌های برادرانی را برآورده خواهید ساخت که قرن‌ها است جدا مانده‌اند.»

بسیاری از مقامات شوروی [در جمهوری آذربایجان ؟] بر این باور بودند که حمایت از اقلیت آذری ایران باید در راس سیاست‌های شوروی قرار گیرد ولی استالین در این باب تردید داشت. در سال‌های ۴۲-۱۹۴۱ به جای ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ مأمور، فقط ۶۰۰ نفر از جمهوری آذربایجان به ایران مأمور شدند. علاوه بر این مقامات شوروی در بخش اشغالی ایران احتمالاً برای خنثی کردن نفوذ آذری‌ها برای جلب حمایت اقلیت‌های کوچکتر ایران مانند کردها و ارمنی‌ها و گرجی‌ها نیز اقدام کردند.



استالین پس از اعلان وحدت اوکراین و بلاروس در مه ۱۹۴۵/اردیبهشت ۱۳۲۴ بر آن شد که نسبت به آمال و خواسته‌های ناسیونالیستی در جنوب قفقاز رویه مساعدتری را اتخاذ کند. مسکو به صورتی عاجل از کمیسار امور خارجهٔ جمهوری شوروی آذربایجان خواست که در باب آذربایجان شمالی (شوروی) و جنوبی (ایران) یادداشتی تهیه کند که در آن یگانگی تاریخی و فرهنگی آن دو نشان داده شده باشد. به علاوه در این یادداشت می‌بایست بر این نکته تاکید می‌شد که لحظه مناسب برای «رهایی» آذربایجان جنوبی فرارسیده است. در ۲۱ ژوئن و ۶ ژوئیه ۱۹۴۵/ ۳۱ خرداد و ۱۶ تیر ۱۳۲۴ پولیت بورو [دفتر سیاسی حزب کمونیست] استالین به صورتی محرمانه دستور داد در حوزه‌های نفتی شمال ایران عملیات اکتشافی آغاز شود و هم زمان، این اقدام بر اساس حرکت-های ملی آذری و کردی، حکومت‌های جدایی طلبی در آن حوزه تاسیس گردند. در مسکو گروه سه گانه مولوتوف، بریا و مالنکوف مأمور اعمال این برنامه‌ها شدند. استالین ،باقروف ـ دوست و برکشیدهٔ بریا ـ را به حضور خواست و شخصا دستورالعمل‌های لازم را جهت اجرای این دو طرح ابلاغ کرد.[۷]

در دسامبر ۱۹۴۵/ آذر ۱۳۲۴ فرقهٔ تازه تاسیس دموکرات آذربایجان کنترل بخش‌های آذری نشین شمال ایران را بر عهده گرفت. این اقدام، همراه با امتناع استالین از فراخوانی نیروهایش از ایران، نخستین بحران بین‌المللی جنگ سرد را پیش آورد. استالین در مقابل فشارهای ایالات متحده و سازمان ملل نیروهایش را در سال ۱۳۲۵/۱۹۴۶ از ایران فراخواند. تحولات بعدی نشان داد که استالین در قربانی کردن سران فرقهٔ دموکرات آذربایجان، جدایی طلبان کُرد و دیگر فعالان ناسیونالیستی که سرنوشت خود را به دست او سپرده بودند، کوچکترین ملاحظه‌ای نداشت. در این بررسی حسنلی در عین تاکید بر ماهیت اهداف شوروی در ایران که بر ترکیبی از خواسته‌های اقتصادی (نفت) و نگرانی‌های امنیتی استوار بود، اهمیت گرایش‌های ناسیونالیستی محلی در این واقعه را نیز یادآور می‌شود. حتی امروز نیز پاره‌ای از پژوهشگران در جمهوری آذربایجان، ماحصل بحران ایران را شکستی برای جمهوری خود تلقی می‌کنند.

لارا عباسوا در مقاله‌ای که ارایه کرد یکی دیگر از بحران‌هایی را که به شکل‌گیری جنگ سرد کمک کرد، مورد بررسی قرار داده است: ادعاهای ارضی شوروی در قبال قلمرو ترکیه در همان ایام ـ سال‌های ۴۶-۱۹۴۵ / ۲۵-۱۳۲۴ که در نهایت واشنگتن را وادار به اقدام کرد.

عباسوا با بهره‌برداری از اسناد آرشیوهای باکو و همچنین اسنادی که از سوی دیگر شرکت کنندگان در نشست اکتبر ۲۰۰۰ ارایه شد، به این نتیجهٔ جالب توجه دست یافت که در آن سوی روبنای به ظاهر یکپارچه و منسجم سیاست خارجی شوروی، «جنگ سرد» دیگری میان رهبری‌های سیاسی جماهیر شوروی آذربایجان، ارمنستان و گرجستان جریان داشت. خواسته‌های ارضی شوروی در قبال ترکیه موجب احیای خواسته‌ها و آمال ارمنی‌ها شد که هنوز کوچ اجباری از سرزمین‌هایی را

که اینک در محدودهٔ ترکیه قرار داشت و قرن‌ها موطن آنان بود، فراموش نکرده بودند. ولی این ادعاهای ارضی شوروی با خواسته‌های رهبری گرجستان که خواهان «اعادهٔ قلمرو تاریخی» لازها در طرابوزان (واقع در کرانه‌های جنوب شرقی دریای سیاه) بودند، نیز گره خورد. جاناشیا و برجنیشویلی، دو تن از مورخان گرجی با کسب اجازه از مقامات مسکو (که گرجی‌ها در سطح رهبری آن حوزه نفوذ چشمگیری داشتند)، طی انتشار مقاله‌ای در دسامبر ۱۹۴۵درصدد توجیه زمینه‌های سیاسی و فرهنگی الحاق طرابوزان برآمدند.

رقیب عمدهٔ آنها در این عرصه ارمنی‌ها بودند که می‌گفتند از کل مساحت ۲۶۰۰۰ کیلومتر مربع حوزه‌ای که قرار بود از خاک ترکیه جدا شود، ۲۰,۵۰۰ کیلومتر مربع می‌بایست به خاک جمهوری ارمنستان منضم گردد. در واکنش به این درخواست کیکنادزه کمیسار امور خارجهٔ جمهوری گرجستان ضمن ارسال یادداشتی به مسکو پیشنهاد کرد که ارمنستان فقط ۱۲,۷۶۰ کیلومتر مربع و گرجستان نیز ۱۳,۱۹۰ کیلومتر مربع از آن را دریافت دارد. پرسشی که در این مقاله مطرح شد آن بود که اصولاً در «نظام توتالیتر» استالینی تا چه حد امکان بروز یک چنین خواسته‌های متعارضی وجود داشت و آنها تا چه حد حاصل گرایش‌های ناسیونالیستی محلی بودند و تا چه حد محصول تشویق و ترغیب مسکو؟

کارن خاچاطریان براساس اسناد موجود، بحران ۴۶-۱۹۴۵ ترکیه را از دیدگاه ارمنستان روایت کرد. وی در این مقاله ضمن تأکید بر بی‌توجهی پیشین مقامات شوروی نسبت به آمال ملی ارامنه و امتیازاتی که آنها با نادیده گرفتن مصالح ملی ارمنی‌ها به دولت ترکیه و نیروهای بلشویک مستقر در جمهوری آذربایجان اعطا کردند، خاطر نشان ساخت که انتقادات دولت شوروی در ۱۹ مارس ۱۹۴۵/ ۲۸ اسفند ۱۳۲۳ از معاهدهٔ ترکیه و شوروی، اشتیاق و شور خاصی را در میان ارامنهٔ سراسر جهان به وجود آورد. در پرونده‌های آرشیو وزارت خارجهٔ جمهوری شوروی ارمنستان در ایروان، نامه‌ها و درخواست‌های بسیاری از سوی مجامع مهاجر ارمنی ـ حتی از جوامع مستقر در آمریکا ـ دیده می‌شود که در آنها از «استالین کبیر» درخواست «عدالت» شده بود. رهبری ارمنستان شوروی در مقام واسطه‌ای میان ارامنهٔ مهاجر و مسکو عمل می‌کرد. گرگوری آروتیونیان، دبیر حزب کمونیست ارمنستان طی نامه‌های متعددی که به مولوتوف و استالین نوشت از آنها خواست که در مذاکرات خود با متفقین در باب جهان بعد از جنگ، مسئله اعادهٔ «سرزمین‌های تاریخی ارمنستان» را نیز منظور دارند. به نظر می‌آید که استالین با این فکر همراهی داشته و به همین دلیل در ارتباط با برنامه‌هایش برای ترکیه، اجازه داد که یک برنامهٔ جهانی برای تشویق بازگشت ارامنهٔ مهاجر به جمهوری ارمنستان آغاز شود. طولی نکشید که تعداد ارمنی‌هایی که ارمنستان شوروی مهاجرت کردند به مراتب بیش از انتظار مقامات شوروی و امکانات محدود جمهوری رسید؛ صدها هزار ارمنی

در اقصی نقاط جمهوری پراکنده شدند و مقامات محلی برای «بازپروری» و تامین معاش و مسکن آنها در مضیقه قرار گرفتند.

به گونه‌ای که خاچاطریان در بررسی خود آورده است تازه در سال ۱۹۴۸ بود که استالین به ابعاد این ماجرا توجه کرد. فشارهای شوروی بر ترکیه نه فقط به اعطای یک امتیاز ارضی منجر نشد بلکه دولت آنکارا را به کسب حمایت آمریکا واداشت. بسیاری از ارمنی‌هایی که به جمهوری ارمنستان آمده بودند از وضعیت دشوار آن سامان در عذاب بوده و می‌خواستند به موطن پیشین خود بازگردند. به تدریج حضور ارمنی‌های مهاجر از آنچه که قرار بود به مثابه یک حربهٔ دیپلماتیک در این بازی استالین عمل کند به یک بار گران اقتصادی و خطر امنیتی تبدیل شد. علاوه بر این هم رهبران جمهوری آذربایجان و هم رهبران جمهوری گرجستان به استالین هشدار دادند که ارمنی‌ها «قابل اطمینان» نیستند و امکان دارد که «یک ارمنستان بزرگ» در جهت جدایی حرکت کند. اندکی بعد مهاجران در نقاطی دور از مرزها اسکان داده شدند.

در ۱۴ سپتامبر ۱۹۴۸ / ۲۳ شهریور ۱۳۲۷ استالین که در آن موقع در استراحتگاه خود در کرانهٔ دریای سیاه بود طی یک پیام تلگرافی از گئورگی مالنکوف خواست که موضوع بروز آتش سوزی در یک کشتی شوروی را که گروهی از مهاجران ارمنی را به بندر باطوم می‌آورد مورد بررسی قرار دهد. سوء ظن استالین مبنی بر امکان وجود عوامل امریکایی ـ انگلیسی در میان مهاجران ارمنی به تحقیقات و سرکوب‌های گسترده‌ای تبدیل شد، که در نهایت به متوقف ساختن برنامهٔ بازگشت ارمنی‌ها و تبعید هزاران ارمنی مراجعت کرده به اردوگاه‌هایی در قزاقستان گشت.

ادوارد ملکونیان در مقاله‌ای که در این کنفرانس ارایه داد موضوع خواسته‌ها و بازگشت ارامنه را در سال‌های ۴۸-۱۹۴۵ از سوی دیگر این ماجرا، یعنی از دید ارمنی‌های مقیم خارج بیان کرد. در این مقاله که بیشتر بر منابع آرشیوی غرب استوار است ملکونیان ریشه‌های بروز اختلاف نظر میان حزب ضد کمونیست داشناکتسوتیون و حزب رامکاوار را مورد بررسی قرار داده است. حزب رامکاوار که ادغام جمهوری ارمنستان در چارچوب شوروی را پذیرفته بود و مؤسسات و مؤسسات خیریه تابع آن ـ از جمله یکی از آنها که تحت سرپرستی گالوست گلبنکیان قرار داشت ـ به ارمنستان شوروی کمک می‌کردند ولی این کمک‌ها در خلال سرکوب‌های دههٔ ۱۹۳۰ پایان گرفت. در پی خاتمه جنگ دوم جهانی جامعهٔ ارمنی آمریکا برای احیای معاهدهٔ ــ[۸] (۱۹۲۰) که براساس آن بخش چشمگیری از آناتولی به ارامنه واگذار شده بود به سعی و تلاش برخاستند. از آنجایی که ترومن در جهت مهار شوروی وارد کار شده بود این خواسته‌های جامعهٔ ارمنی آمریکا با منافع استراتژیک آمریکا در تعارض قرار گرفت.

در یکی از ملاقات‌های مهمی که میان نمایندگان جامعهٔ ارمنی و دین آچسون وزیر امور خارجهٔ آمریکا صورت گرفت، او از آنها پرسید که آیا متوجه هستند که عملا از الحاق اراضی قلمرو ترکیه توسط اتحاد شوروی حمایت می‌کنند. ارمنی‌ها نیز مایوس و سرخورده، در حالی که آرزوهای خود را برباد رفته می‌دیدند جلسه را ترک کردند. با افزایش رقابت روسیه و آمریکا هر دو قدرت بر آن شدند که از جامعهٔ ارمنی مهاجر به عنوان حربه‌ای در جهت افزایش نفوذ خود در خاورمیانه استفاده کنند.

گئورگی مامولیا در مقالهٔ خود از اسناد و دیدگاه‌های گرجستان در باب مسئله حساس خواسته‌های ارضی و سیاست‌های قومی نهفته در پشت نمای بحران‌های ایران و ترکیه سخن گفت. وی نشان داد که چگونه یک اقلیت کوچک گرجی در فریدن [از توابع استان اصفهان] در تنش‌های برآمده از جنگ سرد گرفتار آمد و در سال ۱۹۴۵، گرجی‌های فریدن نیز همانند پاره‌ای از دیگر اقلیت‌های قومی ایران از نقطه نظر ابزاری محتمل جهت ایجاد آشوب و اغتشاش در ایران مورد توجه مسکو واقع شدند. ظاهرا در این زمینه میان مقامات مسکو و تفلیس اختلاف نظرهایی پیش آمده بود: در حالی که مقامات گرجی خواهان بازگرداندن گرجی‌های فریدن به گرجستان بودند، مقامات مسکو میل داشتند که آنها در ایران بمانند. این ماجرا نیز در پی ناکامی تلاش‌های استالین برای توسعهٔ نفوذ شوروی در شمال ایران، در برابر سرسختی‌های ایران و فشار آمریکا به دست فراموشی سپرده شد.



در این مقاله در باب دیگر قربانی‌های تنش برآمده از جنگ سرد نیز بحث شده است؛ از جمله ترک‌های مسخطی و دیگر اقلیت‌هایی که پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی در گرجستان مستقر شده بودند. گرایش ترکیه به سمت غرب باعث آن شد که بر ضد [اقوامی که] «عوامل» بالقوهٔ ترکیه [محسوب می‌شدند] سیاست‌های سرکوبگرانه آغاز شود و بخش وسیعی از اقلیت‌های ترک تبار ساکن در نواحی مرزی شوروی مورد پاکسازی قومی قرار گیرند. در سال ۱۹۴۹ مقامات وزارت کشور بنا بر دستور استالین در عملیاتی موسوم به *ولنا* (موج) گروهی مشتمل بر ۳۶,۷۰۵ ترک مسخطی، یونانی و ارمنی‌هایی که به تازگی برگشته بودند را به قزاقستان و دیگر جمهوری‌های آسیای میانه تبعید کردند.

الدار اسماعیلوف در مقالهٔ خود از میر جعفر باقروف ، یکی از بازیگران اصلی تحولات حوزهٔ جنوب قفقاز در این سال‌ها و نقش اساسی او در تحولات سال‌های ۴۹-۱۹۴۵ تصویری ارایه داد. چگونگی جان به دربردن او از شکست قمار استالین در شمال ایران، یکی از جنبه‌های جالب این مقاله بود. گذشته از دوستی باقروف با بریا، این که وی نخستین آذربایجانی بود که به مقام دبیر اولی حزب کمونیست آذربایجان رسیده بود نیز در این امر موثر بوده است. جمعیت جمهوری آذربایجان از نظر تاریخی و فرهنگی از ترکیب قومی بالقوه ملتهب و آمادهٔ انفجاری برخوردار است. علاوه بر این به دلیل دارا بودن ذخایر نفتی اهمیت استراتژیک خاصی نیز دارد.

باقروف فرد تحصیلکرده‌ای نبود ولی شم و زیرکی سیاسی درخور توجهی داشت. بروز تنش‌های جدید در مناسبات شوروی با ایران و ترکیه می‌توانست موقعیت او را در خطر اندازد. با تبدیل ترکیه بدانچه که به پایگاه رخنه به درون آذربایجان می‌مانست، نگرش دائما مشکوک و توطئه‌نگر استالین می‌توانست دامنگیر رهبران سیاسی ترک تبار گردد و باقروف که به خوبی به چنین خطری آگاه بود در مقام پیشدستی برآمده و مبارزهٔ گسترده‌ای را بر ضد گرایشات پان ترکی آغاز نمود. او در سال ۱۹۴۹ مبارزه‌ای را بر ضد امام شامل، رهبر مقاومت استقلال‌طلبانه و ضد روس مردم قفقاز در سال-های دو دههٔ ۱۸۴۰ و ۱۸۵۰، آغاز کرد. بر اساس اسنادی که اسماعیلوف در آرشیوهای باکو یافته است باقروف در خلال دیداری که با استالین داشت پیشنهاد کرد که کل تاریخ مسلمان‌های قلمرو شوروی از نو نوشته شود. او در مرحلهٔ بعدی بر آن شد ضمن تلاش برای محو علقه‌های فرهنگی ترکی در میان نخبگان تحصیلکردهٔ آذربایجانی، آنها را در جهت عکس هر گونه گرایش پان ترکی، به سوی نوعی هویت خاص «آذری» هدایت کند. با توجه به تهیه و تدارک تبلیغاتی شوروی در آن سال‌های نخست جنگ سرد، ارزش تلاش‌های باقروف برای دامن زدن به گرایش‌های ضد ترک در جمهوری آذربایجان، موضوعی نبود که از نظر استالین دور بماند.

علاوه بر این باقروف برای پیشگیری از بروز هر گونه سوءظن از جانب استالین، سرکوب گسترده‌ای را نیز بر ضد آن گروه از اعضاء حزب کمونیست آذربایجان آغاز کرد که به نوعی با ایران و ترکیه مربوط بودند؛ صِرف داشتن خویشاوندانی در آن کشورها و یا حتی دیدار آنها کافی بود که شخص را به تبعید و جابجایی دچار کند. و در پایان باقروف به استالین پیشنهاد کرد که بازماندگان فرقه دموکرات آذربایجان و دیگر افرادی که در نهضت جدایی‌طلبانهٔ آن سامان خدمت کرده بودند به سیبری یا قزاقستان تبعید شوند.

در مباحث مطرح شده در این کنفرانس و در خلال مطالبی که در باب مقالات ارایه شد، شرکت کنندگان توانستند ـ برای پاره‌ای نیز برای نخستین‌بار ـ از مرزهای محدود «پروژه‌های ملی» که دهها سال است بر تاریخ نگاری گرجستان و ارمنستان و آذربایجان حکمفرماست، فراتر روند. رونالد سانی در نکاتی که در حاشیه این مباحث مطرح کرد خاطرنشان ساخت که از نقطه نظر تاریخی خواسته‌های ارضی مطرح شده از سوی ارمنی‌ها در مقایسه با خواسته‌های مشابهی که از سوی آذربایجانی‌ها و گرجی‌ها مطرح شد، از ابعاد جدی‌تر و گسترده‌تری برخوردار بود چرا که خواسته‌های مطرح شده از طرف گرجی‌ها و آذربایجانی‌ها بیشتر برانگیختهٔ مسکو و نخبگان تحصیلکردهٔ محلی به نظر می‌آمد. از نظر او موضوع معاودت ارمنی‌ها نیز در عین حال که می‌توانست به حربهٔ بالقوه موثری در دست شوروی‌ها تبدیل گردد، متضمن خطراتی برای نظام شوروی نیز بود.

در دیگر مباحث مطرح شده در این کنفرانس از اسناد موجود در آرشیوهای پلیس مخفی شوروی در گرجستان و آذربایجان و ارمنستان سخن به میان آمد که هر یک به روشنی مبین بروز تعارضات قومی در قفقاز سال‌های پایانی جنگ دوم می‌باشند؛ تعارضات و تنش‌هایی که دامنهٔ آنها به سال‌های بعد نیز کشید. برخلاف افسانه‌ای رایج آن دوره در باب «یک ملت واحد شوروی» این اسناد و گزارش‌ها هم از بروز گاه به گاه کینه و دشمنی میان نیروهای ناحیه نظامی ماوراء قفقاز و ساکنین محلی حکایت دارد و هم از بروز حرکت‌های ضد روسی و ضد شوروی در آن سامان. به گفتهٔ فرانسواز توم سیاست‌های توسعه طلبانهٔ استالین در دامن زدن به احساسات و رقابت‌های قومی نقش موثری داشت و در نتیجه رهبری شوروی در تلاش خود برای بسط نفوذ مسکو به نواحی همسایه با دشواری‌های داخلی فراوانی روبرو گردید.

سند شماره ۱

فرمان کمیته دفاع دولتی [اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی] شماره ۹۱۶۸ اس.اس؛ در مورد اقدامات اکتشافی زمین شناسی برای نفت در شمال ایران.

۲۱ ژوئن ۱۹۴۵ / ۳۱ خرداد ۱۳۲۴

رونوشت

فوق محرمانه

کمیتهٔ دفاع دولتی

فرمان GOKO [کمیتهٔ دفاع دولتی] شمارهٔ ۹۱۶۸ اس.اس، مورخ ۲۱ ژوئن ۱۹۴۵

مسکو، کرملین

عملیات اکتشافی زمین شناسی برای نفت در شمال ایران.

با هدف بررسی‌های زمین شناسی و اقدامات حفاری برای نفت در شمال ایران، کمیته دفاع دولتی فرمان می‌دهد:

۱. در چارچوب [بخش] «آذنفت» [نفت آذربایجان] مجموعهٔ *نارکوم نفت* [کمیساریای خلق برای نفت] یک مدیریت هیدرو ژئولوژیک تشکیل داده و وظیفه نظارت بر بررسی‌های زمین شناختی برای حوضه‌های نفتی در شمال ایران را به آن واگذار کنید.

۲. برای اجرای این کار شناسایی در شمال ایران *نارکوم نفت* (رفیق بایباکوف) و *آذنفت* (رفیق وزیروف) را از جهت تأمین تعداد کارگران لازم از صنعت نفت برای حفاری و گروه‌های بررسی و اعزام آنها به حوزه‌های کاری به صورت واحدهای هیدرو ژئولوژیک وابسته به ستاد نیروهای شوروی در ایران (قزوین)، مسئول بدانید.

۳. برای واحد هیدروژئولوژیک جهت اجرای اقدامات ذیل در شمال ایران، هیاتی را مستقر سازید:

الف) حفاری

ده تلمبه در هفت ناحیه، از جمله سه تلمبهٔ ثابت (حفاری عمیق برای جستجوی ساختاری) در نواحی بندرشاه، شاهی، بابلسر و [بندر] پهلوی.

ب) بررسی‌های زمین‌شناختی: هیئتی مرکب از ده گروه در مناطق دشت گرگان، اشرف، شاهی، آمل، خرم آباد، بُلگار چای [؟][۹]، جلفا، زنجان، تبریز، اردبیل، و سیاه کوه

پ) بررسی‌های زمین شناختی: هیئتی مرکب از سه گروه

در مناطق دشت گرگان، اراضی پست مازندران و رشت و در کل کرانه جنوبی دریای خزر از مرز جمهوری شوروی ترکمنستان تا مرز جمهوری شوروی آذربایجان.

برای انتقال ابزار لازم حفاری و اکتشاف از اول سپتامبر ۱۹۴۵ جهت شروع کار حفاری و اکتشاف در سپتامبر ۱۹۴۵ نارکوم نفت (رفیق با بیاکوف) و آذنفت (رفیق وزیروف) را مسئول تلقی کنید.

۴. برای سازماندهی و اعزام یک هیئت اکتشافی مرکب از ده گروه؛ یک گروه حفاری چاه و الکترومتر، یک هیئت ژئوفیزیک بر کسب از سه گروه (ثقل‌سنجی، مقاومت سنجی و Variometric از طریق انتقال از باکو، [گروه] Variometric از شعبهٔ ولگای میانهٔ نارکوم نفت؛ [گروه] مقاومت سنجی از منطقه کراسنودار؛ تا اول اوت ۱۹۴۵، نارکوم نفت (رفیق بایباکوف) را مسئول بدانید.

۵. با هدف تجهیز واحد هیدرولوژیک به تدارکات، وسایل و ابزارهای لازم [ارگان‌های ذیل] را مسئول بدانید:

الف) نارکوم نفت (رفیق با یباکوف) باید در اوت ۱۹۴۵ [اقدام ذیل] را در اختیار مدیریت هیدرولوژیک قرار دهد: پنج دستگاه تلمبه، وسایل حفاری، و یک دستگاه حفاری گردان؛ چهار دستگاه چارچوب ZV-750، وسایل حفاری و ملزومات آنها؛ سه میلهٔ حفاری (۱۲۰۰ متر) و ابزار لازم جهت تلمبه‌های KA-300 و دیگر وسایل و تجهیزات لازم برای اقدامات واحد هیدرولوژیک.

ب) نارکوم ونستورگ [کمیساریای خلق برای تجارت خارجی](رفیق میکویان) موظف است که در ژوئن ـ ژوئیه ۱۹۴۵، پانزده تراکتور و صد و بیست کامیون از واردات [خودروهای ؟] سوار نشده از ایران را به واحد هیدرولوژیک تحویل دهد.

پ) ژنرال فرمانده جهت ماوراء قفقاز رفیق تیولنف موظف است که فضای اداری و اقامتی لازم را در قزوین و مناطق عملیاتی در اختیار واحد هیدرولوژیک قرار داده و همچنین با استفاده از افراد واحدهای نظامی برای سوار کردن صد و بیست کامیونی که به واحد هیدرولوژیک اختصاصی یافته، مساعدت نماید.

ت) کمیساریای خلق برای امور دفاعی اتحاد جماهیر شوروی (رفیق وربویف [مارشال فرمانده نیروهای مهندسی، سرپرست نیروهای مهندسی ارتش شوروی] موظف است که تا اول اوت ۱۹۴۵ دو واحد کامل و آماده به کار حفاری سیار AVB-2-100، یک دستگاه حفاری AVB-2-100، یک تانکر آب zis-5 و یک کامیون ۱/۵ تن با وسایل لازم و یک چارچوب UA-125 با سه گروه حفار را در اختیار واحد هیدرولوژیک در ایران قرار دهد.

ث) کمیساریای خلق برای امور دفاعی اتحاد جماهیر شوروی ([ژنرال ارتش، فرمانده پشت جبههٔ ارتش شوروی] رفیق خرولف) موظف است از کارگاه‌های تعمیرات فرماندهی حمل و نقل

[ارتش] شوروی در ایران پنج دستگاه کامیون ۱۲ تن ماک، ۷ دستگاه تریلر الوار بری و پانزده دستگاه [جیپ] ویلیز را که در شرایط مناسب کاری باشند در اختیار واحد هیدرولوژیک قرار داده و در کارگاه‌های بخش تعمیرات فرماندهی حمل و نقل [ارتش] شوروی در ایران، تسهیلات لازم را جهت تعمیر وسایل حفاری و خودروهای [هیئت] را فراهم سازد.

۶. ژنرال فرمانده جبهه قفقاز (رفیق تیولنف) را از نظر فراهم آوردن نیروی محافظ، یک گروه اسکورت برای هیئت‌های اعزامی، ارایه نقشه‌های لازم و همچنین تأمین لباس و مدارک مورد نیاز واحد هیدرولوژیک؛ برای ارایه همراهی‌های لازم با واحد هیدرولوژیک جهت اقدامات حفاری و اکتشافی مسئول بدانید.

۷. *نارکوم فین* [کمیساریای خلق برای امور مالی] (رفیق زورف) را برای سپردن هشت میلیون روبل، به علاوه ۲,۴۰۰,۰۰۰ ریال به مدیریت هیدرولوژیک مجمع آذنفت برای تأمین مواد و تجهیزات حمل و نقل و نگهداری از کارکنان، در محصول سوم و چهارم سال ۱۹۴۵، مسئول بدانید.

۸. به کمیساری خلق برای امور داخلی (NKVD) جمهوری شوروی آذربایجان اجازه داده شود که برای کارکنان اعزامی نارکوم نفت و مجمع آذنفت جهت امور مدیریت هیدرولوژیک، جواز ورود به ایران را صادر کنند.

۹. رفیق ملیک پاشایف به عنوان رئیس مدیریت هیدرولوژیک، رفیق گیداروف به عنوان رئیس مدیریت هیدرولوژیک به عنوان رئیس مدیریت هیدرولوژیک در نهاد فرماندهی نیروهای شوروی در ایران، و رفیق کورنف به عنوان معاونت مدیریت هیدرولوژیک تایید شوند.

۱۰. نارکوم نفت (رفیق بایباکوف) و آذنفت (رفیق وزیروف) شخصا مسئول نظارت بر تأمین خدمهٔ، و متخصصان مهندس و فنی واحد هیدرولوژیک و فراهم آوردن ابزار و تجهیزات لازم جهت اقدامات حفاری و زمین‌شناختی در شمال ایران، تلقی می‌شوند.

۱۱. دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان، رفیق باقروف را از جهت هر گونه کمک و همراهی با اقدامات بررسی زمین‌شناختی در شمال ایران مسئول بدانید.

صدر کمیتهٔ دفاع ملی ای. استالین

گواهی: [امضا ندارد]

[ماخذ]

[ماخذ آرشیو دولتی برای احزاب سیاسی و جنبش‌های اجتماعی جمهوری آذربایجان، باکو (GAPPOD AZR), f 1, op.89,d.104

سند شماره ۲

فرمان دفتر سیاسی کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به میر [جعفر] باقروف صدر کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست آذربایجان در مورد «اقداماتی جهت سازماندهی یک جنبش جدایی‌طلب در آذربایجان جنوبی و دیگر ایالات شمالی ایران»، ۶ ژوئیه ۱۵/۱۹۴۵ تیر ۱۳۲۴

فوق محرمانه

به رفیق باقروف

اقداماتی جهت سازماندهی یک جنبش جدایی‌طلب در آذربایجان جنوبی و دیگر ایالات شمال ایران:

شروع اقدامات تدارکاتی در جهت تشکیل یک ناحیه [Oblast] خود مختار ملی آذربایجانی با اختیارات گسترده در چارچوب دولت ایران توصیه می‌شود.

یک حزب دموکراتیک در آذربایجان جنوبی به نام «حزب دموکراتیک آذربایجان» [از این پس «فرقهٔ دموکرات آذربایجان»] با هدف رهبری جنبش جدایی طلب در آذربایجان جنوبی تأسیس کنید.

تأسیس حزب دموکرات آذربایجان جنوبی باید با یک تجدید سازمان توامان بخش آذربایجانی حزب تودهٔ ایران و جذب هواداران جنبش جدایی طلب از تمامی اقشار مردم بدان صورت گیرد.

در میان کردهای ساکن شمال ایران برای جذب آنها در یک جنبش جدایی طلب که یک ناحیه خودمختار ملی کرد را تشکیل دهد، اقدامات مناسب صورت دهید.

یک گروه از فعالان مسئول را در تبریز که به هماهنگی فعالیت‌هایشان با سرکنسولگری اتحاد جماهیر شوروی درتبریز موظف باشند، برای هدایت جنبش جدایی‌طلب تشکیل دهید. سرپرستی کلی این گروه به باقروف و یعقوبُف واگذار می‌شود.

تهیه و تدارک اقدامات اولیه برای برگزاری انتخابات دوره پانزدهم مجلس ایران، [با هدف] تضمین انتخاب هواداران جنبش جدایی طلب براساس شعارهای ذیل به کمیتهٔ مرکزی (باقروف و ابراهیموف) حزب کمونیست آذربایجان سپرده شود.

الف) واگذاری زمین از اراضی خالصه و املاک بزرگ اربابی به دهقانان و اعطای اعتبارهای درازمدت مالی به دهقانان.

ب) از میان بردن بیکاری از طریق اعاده و توسعهٔ کار در مؤسسات و همچنین برنامه‌های احداث راه و دیگر طرح‌های فوائد عامه.

پ) بهبود مؤسسات رفاه عمومی در شهرها و آبرسانی عمومی.

ت) بهبود بهداشت عمومی.

ث) اختصاص حداقل ۵۰٪ از مالیات‌های دولتی به حوایج محلی.
ج) حقوق برابر برای اقلیت‌های ملی و عشایر؛ افتتاح مدارس و انتشار کتب و روزنامه به زبان‌های آذربایجانی، کردی، ارمنی و آشوری؛ سیر مراحل دادرسی و مکاتبات رسمی در نهادهای محلی به زبان‌های بومی؛ تأسیس نظام اداری محلی ـ از جمله ژاندارمری و پلیس با استفاده از عناصر ملی محلی؛ تشکیل انجمن‌های منطقه‌ای، محلی و شهری [و] نهادهای خودگردان محلی.
چ) بهبود اساسی در روابط ایران و شوروی.
۶ . تأسیس گروه‌های رزمی مسلح به سلاح‌های ساخت خارج جهت حوایج دفاعی اهالی هوادار شوروی [و] فعالین تشکیلات دموکراتیک و حزبی جنبش جدایی طلب.
اعمال این مورد به رفیق [نیکولای] بولگانین همراه با رفیق باقروف احاله شود.
۷. یک انجمن برای مناسبات فرهنگی میان ایران و جمهوری شوروی آذربایجان با هدف تقویت اقدامات فرهنگی و تبلیغاتی در آذربایجان جنوبی تأسیس کنید.
۸. برای جذب توده‌ها به جنبش جدایی طلب تأسیس یک «انجمن دوستان آذربایجان شوروی» را در تبریز با شعباتی در تمام مناطق آذربایجان جنوبی و گیلان لازم می‌دانیم.
۹. تدارک انتشار یک نشریه مصور در باکو برای توزیع در ایران و همچنین سه نشریه جدید در آذربایجان جنوبی به کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست آذربایجان شوروی محول گردد.
۱۰. از OGIZ [بنگاه انتشارات دولتی] (یودین) خواسته شود تا سه دستگاه چاپ مسطح برای بهره-برداری کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست آذربایجان شوروی جهت فراهم آوردن امکانات چاپی [tipografskaya baza] برای فرقهٔ دموکرات آذربایجان جنوبی، ارایه کند.
۱۱. نارکوم ونشتورگ [کمیساریای خلق برای تجارت خارجی] (رفیق آناستاز میکویان) به تامین کاغذ خوب جهت چاپ نشریه مصور در باکو و همچنین سه روزنامه جدید در آذربایجان جنوبی ـ با حداقل تیراژ ۳۰،۰۰۰ نسخه ـ متعهد گردد.
۱۲ . به کمیساریای خلق برای امور داخلی [NKVD] جمهوری شوروی آذربایجان اجازه داده شود که تحت نظارت رفیق باقروف برای تردد افرادی که جهت به اجرا درآوردن این اقدامات باید به ایران اعزام شوند، مجوز لازم صادر شود.
۱۳. برای تامین مالی نهضت جدایی طلب در آذربایجان جنوبی و همچنین [تدارک شرکت] در انتخابات دوره پانزدهم مجلس ایران، یک صندوق ویژه به اعتبار یک میلیون روبل ارز خارجی ـ برای تبدیل به تومان ـ در کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی تأسیس شود.

۶ ژوئیه ۱۹۴۵

دفتر سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی

[ماخذ آرشیو دولتی برای احزاب سیاسی و جنبش‌های اجتماعی جمهوری آذربایجان، باکو (GAPPOD , AZR), f 1,op.89.d.90,ll.4-5]

سند شماره ۳

دستورالعمل‌های محرمانهٔ شوروی در مورد اقداماتی که باید جهت اجرای ماموریت ویژه در سراسر آذربایجان جنوبی و ایالات شمالی ایران اعمال شود، ۱۴ ژوئیه ۱۹۴۵ /۲۳ تیر ۱۳۴۵

کاملا محرمانه

اقداماتی برای اجرای ماموریت ویژه در سراسر آذربایجان جنوبی و ایالات شمال ایران.

الف . موضوع تأسیس فرقه دموکرات آذربایجان :

۱. وسایل سفر پیشه‌وری و کامبخش به باکو برای مذاکره فوراً سازماندهی شود. با توجه به نتایج این مذاکرات، تامین وسایل سفر پادگان، صدر کمیتهٔ ایالتی حزب تودهٔ در آذربایجان، به باکو در نظر گرفته شود.

۲. برای تأسیس کمیته‌های مؤسس در مرکز (تبریز) و دیگر نقاط [Na Mestakh] در عرض یک ماه کاندیداهایی را از میان عناصر واقعی دموکرات از میان روشنفکران، تجار طبقهٔ متوسط، زمینداران کوچک و متوسط و روحانیون در احزاب دموکراتیک مختلف و همچنین از میان غیرحزبی‌ها انتخاب کرده و به کمیته‌های مؤسس فرقهٔ دموکرات آذربایجان وارد کنید. تشکیل یک کمیته مؤسس در تبریز که از طریق انتشار یک فراخوان از طریق نشریات دموکراتیک موجود [مانند] *خاورنو، آژیر*، جودت و غیره، خواهان تأسیس یک حزب دموکراتیک آذربایجان شده و به نشر جزواتی اقدام خواهد کرد، در اولویت نخست قرار دارد.

۳. با انتشار فراخوان، گروه‌های آغازگر در دیگر نقاط به حمایت از آن در جراید سخن گفته و از میان فعال‌ترین سازمان‌های حزب توده و دیگر سازمان‌ها و عوامل دموکراتیک کمیته‌های فرقهٔ دموکرات آذربایجان را تشکیل خواهند داد.

۴. پس از استقرار کمیته‌های مؤسس فرقهٔ دموکرات آذربایجان در تبریز، تأسیس کمیته‌های محلی فرقه دموکرات آذربایجان در شهرهای ذیل از اولویت نخست خواهد بود: اردبیل، رضائیه، خوی، میانه، زنجان، مراغه، مرند، مهاباد، ماکو، قزوین، رشت، پهلوی، ساری، [شاهی؟][1] گرگان و مشهد. برای سازماندهی کمیته‌های این شهرها نمایندگانی را از کمیتهٔ مؤسس مرکزی اعزام دارید. به صورتی منظم واکنش‌های مثبت و دعوت به عضویت در فرقهٔ دموکرات آذربایجان را در جراید دموکراتیک منتشر کنید.

۵. تحت عنوان «صدای آذربایجان» یک نمایندگی مطبوعاتی در کمیتهٔ مؤسس فرقه دموکرات آذربایجان در تبریز تأسیس کنید.

۶. تدوین پیش نویس برنامه و منشور کمیته مؤسس تبریز را سازماندهی کنید.

ب . تضمین انتخاب نمایندگان انتخابات دورهٔ پانزدهم مجلس

۱. با نمایندگانی که آنها را در انتخابات این دوره از مجلس حمایت می‌کنیم برای مذاکره در باب معرفی آنها برای شرکت در مجلس پانزدهم، به شرط حمایت از شعارهای فرقهٔ دموکرات آذربایجان، وارد مذاکره شوید.

۲. برای معرفی نامزدهای نمایندگی مجلس از میان عناصر دموکراتیکی که برای اجرای شعارهای فرقهٔ دموکرات آذربایجان مبارزه خواهند کرد، اقدام کنید.

۳. بررسی مجدد فهرست نمایندگان پیشنهاد شده از سوی سفارت با توجه به [این] وظایف جدید.

۴. سازماندهی تبلیغ گسترده کاندیداهای منتخب برای مجلس در جراید و تماس و ملاقات آنها با رای دهندگان.

۵. حمایت از گردهم آیی‌ها، تظاهرات، اعتصاب‌ها، و انحلال [razgon] کمیسیون‌های انتخاباتی‌ای که با ما منافات دارند با هدف تضمین منافع ما در انتخابات.

۶. در خلال تدارکات انتخاباتی، کاندیدهای معرفی شده از سوی محافل ارتجاعی را که به نحوی فعالانه بر ضد کاندیداهای جنبش دموکراتیک فعالیت می‌کنند، از حوزه‌های انتخاباتی شمال ایران حذف و اخراج کنید.

۷. خواست جایگزینی روسای مرتجع از نهادهای محلی [Vlasti] طرح شود.

پ. تأسیس « انجمن دوستان آذربایجان شوروی»

ا. در مورد سازماندهی «انجمن دوستان آذربایجان شوروی» از نمایندگانی که در جشن یادبود بیست و پنجمین سال [تأسیس] جمهوری شوروی آذربایجان شرکت کردند، استفاده شود.

۲. از کارمندان کنسولگری‌های ما، فرماندهی نظامی و اعضا فعال [حزبی] برای تشکیل انجمن استفاده شود.

۳. گروه مؤسس «انجمن دوستان آذربایجان شوروی» در تبریز باید تدوین منشور انجمن را عهده دار گردد.

۴. برای جلب هر چه گسترده‌تر مردم به «انجمن دوستان آذربایجان شوروی» به صورتی منظم از جراید برای بیان دستاوردهای اقتصادی، فرهنگی و هنری آذربایجان شوروی و دوستی تاریخی خلق‌های آذربایجان جنوبی و خلق‌های آذربایجان شوروی بهره‌برداری شود.

ت. سازماندهی جنبش جدایی طلب

۱. برای شکل دادن به یک جنبش جدایی‌طلب در جهت تأسیس یک منطقه خودمختار آذربایجانی [و] یک منطقه خودمختار کرد با اختیارات گسترده اقدام شود.

در ایالات گرگان، گیلان، مازندران و خراسان براساس مسائل محلی و به ویژه [موارد ذیل]، جنبش‌های جدایی‌طلب ایجاد شود:

در ایالت گیلان: فراهم آوردن خدمات رفاهی و اجتماعی و در شهرهای رشت [و] پهلوی، اختصاص حداقل ۵٪ از کل مالیات‌های مأخوذه در محل برای این منظور.

در ایالت گرگان: آموزش زبان بومی ترکمنی در مدارس، جایگزینی ترکمن‌ها در مؤسسات محلی، ژاندارمری و پلیس، اختصاص حداقل ۵۰٪ از کل مالیات‌های ماخوذه در محل برای خدمات رفاهی و آسایشی و بهداشتی در گنبدکاووس، گرگان و بندر شاه.

در ایالات مازندران و خراسان:

۱. اعادهٔ املاکی که رضاه شاه گرفته بود به مالکان جزء و متوسط.

۲. اختصاص حداقل ۵۰٪ از مالیات‌های ماخوذه در محل برای خدمات عمومی و رفاهی و بهداشت شهرهای ساری، شاهی، مشهد و قوچان نو[11].

به علاوه برای شکل دادن به یک جنبش جدایی طلب در ایالات فوق به انعکاس چنین خواسته‌هایی در سطوح محلی اقدام شود.

خواست اصلاحات ارضی نه فقط در آذربایجان جنوبی که در نواحی شمال ایالات ایران نیز مطرح گردد.

ث. تشکیل انجمن‌ها

۱. پس از استقرار کمیته‌های مؤسس فرقهٔ دموکرات آذربایجان هم زمان با اقدامات لازم جهت انتخاب نمایندگان دورهٔ پانزدهم مجلس، با استفاده از شوق انتخاباتی مردم، اقداماتی برای تشکیل انجمن‌ها صورت گیرد.

ج. سازماندهی ارگان‌های مطبوعاتی

۱. برای سازماندهی اقدامات تبلیغاتی از طریق مطبوعات، علاوه بر روزنامه‌های موجود چاپخانه‌هایی در شهرهای رشت، رضائیه و مهاباد برای نشریات جدید تأسیس شود.

[امضاهای ناخوانا]

گفتگو ۱۵۶

یادداشت‌ها:

---

1 . Cold War International History Project (CWIHP)

۲ . ناتالیا یگوروا «بحران آذربایجان از دیدگاه اسناد نویافتهٔ شوروی»، گفتگو، شماره ۱۷، پاییز ۱۳۷۶، صص ۱۰۳-۱۳۵

3 . Cold War in the Caucasus: Notes and Documents from a Conference" By Svetlana Savranskaya and Vladislav Zubok in *C W I H P Bulletin*, Issue 14/15 Winter 2003 – Spring 2004, pp. 399-403.

[در ترجمهٔ این گزارش از دو پارگراف که به پاره‌ای از تحولات گرجستان در سال‌های ۵۳-۱۹۵۱ و دههٔ ۱۹۶۰ اشاره داشت، صرفنظر شد.]

4 . "New Evidence on the Iran Crisis 1945-46 , from Baku Archives"
C W I H P Bulletin, Issue 12/13, Fall/Winter 2001, pp. 309-314

5 . see *Bulletin* 12/13 (Fall/Winter 2001) C W I H P, p. 309

۶ . برای ترجمهٔ انگلیسی این اسناد که توسط جمیل حسنلی در اختیار طرح تاریخ جنگ گرفته است بنگرید به
C W I H P Bulletin, 12/13, pp. 370-314

۷ . بنگرید به اسناد ضمیمه، سندهای ۱ تا ۳

۸ . در اصل Trianon ، که احتمالاً اشتباه است و باید «سور» باشد

۹ . کذافی اصل: Bolgar chai

۱۰. در اصل Shakh

۱۱.کذافی اصل: New Quchan